



تقدیم به همسر؛

که در سایه همیاری و همدلی او به این منظور نائل شدم، او که مسیح‌وار با صبرش در تمامی لحظات رفیق راه بود.

تقدیر و تشکر:

با قدردانی و سپاس از اساتید گرانقدر خانم دکتر ایراندخت فیاض (استاد راهنما) و جناب آقای دکتر مهدی سبحانی نژاد (استاد مشاور) که با کمک‌های بی‌دریغ خود مرا در تمامی مراحل انجام این تحقیق یاری نمودند. عزیزانی که علیرغم مشغله‌های فراوان سخاوتمندانه و بزرگوارانه «آنچه را که می‌دانستند و می‌توانستند» در اختیارم قرار دادند.

از استاد محترم داور جناب آقای دکتر حسن ملکی که زحمت ارزشیابی تحقیق بنده را برعهده داشتند، سپاسگزارم.

از اساتید محترم دیگر در گروه از بابت تلاش‌شان برای رشد و ارتقاء گروه تعلیم و تربیت دانشگاه و من نهایت تشکر را دارم.

تحلیل جایگاه مسئولیت پذیری اجتماعی در نظریه اسلامی از حوزه های مغفول پژوهشی محسوب می شود که با توجه به حساسیت موضوع و ضرورت های فرهنگی و فقدان تحقیقات در این حوزه، مطالعه حاضر با بررسی "مسئولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلام و دلالت های تربیتی آن برای معلمان" صورت گرفته است. این مطالعه با بررسی آموزه ها و تفاسیر قرآن و احادیث و مطالعات حوزه مسئولیت اجتماعی صورت پذیرفته است؛ نتایج این مطالعه نشان داد که مفهوم شناسی مسئولیت اجتماعی شامل هر فرد خود مسئول افعال خویش است؛ حاکم بر سرنوشت خویش است، اسلام افراد و گروهها را مسئول رفتار خود می داند، مودت، اخوت و همیاری زمینه ساز مسئولیت پذیری اجتماعی در جامعه اسلامی می باشد انسان به طور فطری اجتماعی آفریده شده است. سه قلمرو مسئولیت از آموزه های اسلامی استخراج شد: مسئولیت در برابر خود؛ مسئولیت انسان در برابر خداوند؛ مسئولیت در برابر دیگران. نتایج دیگر مطالعه نشان داد که در آموزه های اسلامی امر به معروف و نهی از منکر، صدقه و قرض، خمس و زکات مالی و وفای به عهد از مصادیق مسئولیت پذیری اجتماعی می باشد. از دلالت های مسئولیت پذیری اجتماعی می توان به تکلیف فردی و اجتماعی، تمایل به زندگی اجتماعی، مسئول بودن در مقابل دیگران، نگاه مسئولانه به مردم و نگاه مسئولانه به بیت المال اشاره نمود. دلالت های تربیتی مسئولیت پذیری در عرصه تعلیم و تربیت، مسئولیتهای عالمان، مسئولیتهای معلمان و مسئولیتهای دانش آموزان در آخر تبیین شد.

کلید واژه: مسئولیت اجتماعی، تربیت اسلامی، دلالت تربیتی، تربیت اجتماعی

۱	چکیده
۳	فصل اول: کلیات پژوهش
۴	مقدمه
۵	بیان مسئله
۷	اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش
۸	هدف کلی
۸	اهداف جزئی
۹	سوال های پژوهش
۹	تعریف نظری مفاهیم تحقیق
۱۱	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش
۱۲	مقدمه
۱۲	تربیت اجتماعی انسان
۱۳	انسان اجتماعی در آموزه های اسلامی
۱۴	رفتارهای اجتماعی
۱۵	قرآن و نقش اجتماعی انسان
۱۶	مظاهر مسوولیت پذیری اجتماعی اصلاح اجتماعی امت
۱۶	رعایت آداب و اخلاق
۱۶	توسعه عدالت در جامعه
۱۷	عدم خودخواهی و خود محوری
۱۷	تعریف و حدود ثغور واژه مسوولیت پذیری اجتماعی
۲۳	تفکیک حق از تکلیف
۲۴	رابطه مسوولیت با حق
۲۵	انواع مسوولیت های اجتماعی
۲۵	الف) مسوولیت دینی - اجتماعی
۲۸	ب) مسوولیت فرهنگی
۲۹	ج) مسوولیت های سیاسی
۲۹	د) مسوولیت های اقتصادی

۳۲	ه) مسئولیتهای مدنی
۳۲	و) مسئولیتهای زیست محیطی
۳۲	قلمروی مسئولیت
۳۵	مصادیقی از مسئولیت پذیری اجتماعی در اسلام
۳۵	مودت
۳۷	حرمت انسان
۳۷	الف) احترام به همنوع
۳۷	ب) رعایت عدالت
۳۸	امر به معروف و نهی از منکر
۳۹	مراتب
۳۹	اهمیت مسئولیت پذیری در آیات و روایات
۴۱	مبانی مسئولیت پذیری
۴۲	پیشینه پژوهش
۴۶	نتیجه گیری
۴۷	فصل سوم: روش تحقیق
۴۸	مقدمه
۴۹	روش انجام تحقیق
۴۸	ابزار جمع آوری
۴۸	روش گردآوری اطلاعات
۴۸	شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات
۴۹	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات
۵۰	مقدمه
۵۱	سوال اول پژوهش: مفهوم شناسی مسئولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلامی چگونه است؟
۵۴	فطرت
۶۲	سوال دوم پژوهش: قلمرو و ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلامی چیست؟
۵۹	بخش اول: قلمروی مسئولیت

۶۰	الف- مسئولیت در برابر خود
۶۱	ب- مسئولیت انسان در برابر خدا
۶۱	ج- مسئولیت در برابر دیگران
۶۴	بخش دوم : ابعاد مختلف مسئولیتهای انسان
۶۶	سوال سوم پژوهش: چه مصادیقی از مسئولیت پذیری اجتماعی در آموزه های(آیات-احادیث و روایات) مطرح می شود؟
۶۶	امر به معروف و نهی از منکر
۶۶	صدقه و قرض
۶۶	خمس و زکات مالی
۶۷	وفاء به عهد
۶۷	
۶۷	سوال چهارم پژوهش: دلالت های مسوولیت پذیری اجتماعی برای جامعه اسلامی چیست؟
۶۸	۱_ تکلیف فردی واجتماعی
۶۹	۱_ تمایل به زندگی اجتماعی
۶۹	۳_ مسوول بودن در برابر دیگران
۷۱	۳- نگاه مسؤولانه به مردم
۷۲	۴- نگاه مسؤولانه به بیت المال
۷۳	عوامل و زمینه های مسئولیت گریزی
۷۳	الف) بی ایمانی و بی اعتقادی
۷۴	ب)جبر باوری
۷۴	ز) کمرویی و خجالت
۷۶	سوال پنجم پژوهش: دلالت های تربیتی مسئولیت پذیری در عرصه تعلیم و تربیت چگونه است؟
۷۶	مسئولیهای عالمان
۷۹	فصل پنجم بحث و نتیجه گیری
۸۰	مقدمه
۸۲	نتایج سوال اول پژوهش
۸۷	نتایج سوال دوم پژوهش
۸۹	نتایج سوال سوم پژوهش
۹۰	نتایج سوال چهارم پژوهش
۹۵	نتایج سوال پنجم پژوهش

۹۶	نتیجه گیری
۹۷	عوامل و زمینه های مسئولیت گریزی
۹۹	پیشنادهای کاربردی
۱۰۰	محدودیتهای پژوهش
۱۰۰	پیشنادهای پژوهشی
۱۰۱	منابع



عنوان
بررسی مسئولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلام و دلالت های تربیتی آن برای
معلمان

استاد راهنما
سرکار خانم دکتر ایراندخت فیاض

استاد مشاور
دکتر مهدی سبحانی نژاد

پژوهشگر
لیلا یعقوبی

مقطع
کارشناسی ارشد

رشته
تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

سال تحصیلی: ۱۳۹۱_۱۳۹۰

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

مقوله ارتباط با دیگران برای انسان نقش و مسوولیت ویژه ایجاد می کند که در یک عنوان با نام "مسوولیت های اجتماعی" از آن یاد می شود. با توجه به رویکرد های مختلف، دیدگاه های خاص تربیتی را می طلبد؛ این امر گاهی رنگ اجتماعی پیدا می کند و زمانی از دیدگاه سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد و گاهی با رویکرد اقتصادی یا فرهنگی به آن نظر می شود. مسوولیت پذیری اجتماعی یکی از اهداف فرهنگی و اجتماعی مهم تعلیم و تربیت است که در آموزه های دین اسلام نیز بر آن تاکید شده است؛ جامعه پذیری یا اجتماعی شدن که از اول طفولیت آغاز می شود، فرآیندی است که توسط آن فرد با فراگیری گرایش ها، اندیشه ها انگارهای رفتار مورد پسند جامعه، از طریق تماس با دیگران، نقش هایی که تعیین کننده رفتار اجتماعی اوست و با پایگاه وی در گروه های مختلف اجتماعی انطباق دارد، به عهده می گیرد. این جامعه پذیری که دورکیم آن را کنش اجتماعی آموزش و پرورش مربوط کرده است، در همه ی جوامع و در هر نوع شرایط اجتماعی صورت می گیرد؛ ولی اینکه اجتماعی شدن در چه گروه هایی و در چه سطحی از پیشرفت جامعه صورت می گیرد فرق می کند. شریعتمداری (۱۳۸۳) در کتاب جامعه و تعلیم و تربیت یکی از وظایف عمده ی مؤسسات تربیتی را آماده کردن افراد جهت زندگی اجتماعی ذکر کرده است. برای اینکه افراد بتوانند بطور مؤثر در زندگی اجتماعی شرکت کنند باید واجد شرایط و صلاحیتهای خاصی باشند؛ به عبارت دیگر تا افراد یک جامعه مهارت ها و عادات معینی را در خود رشد ندهند، نمی توانند وضعی توأم با موفقیت و رضایت خاطر در زندگی اجتماعی برای خود بوجود آورند. هدف مهمی که آموزش و پرورش برای تربیت نسل های آینده دارد، نهادینه نمودن مسوولیت پذیری اجتماعی در دانش آموزان است تا مسوولیت های مختلف را در زندگی خود در ابعاد جامعه، خانواده، خود ایفا نمایند.

در شکل گیری مسوولیت پذیری اجتماعی در فرد عناصر متعددی نقش دارند که خانواده پیش از همه در این خصوص مؤثر است؛ در واقع اولین عنصر مؤثر بر رشد و شکل گیری مسوولیت پذیری اجتماعی خانواده و والدین می باشند؛ تحقیقات نیز در این رابطه نشان داده اند چگونگی رفتار والدین با کودک در سالهای نخستین حیات، اثر ماندگاری بر شخصیت کودک دارد.

یکی از مهم ترین موضوعاتی که در دین اسلام مورد توجه قرار گرفته ارتباط انسان با انسان در زمینه های مختلف است؛ انسان به دلیل اجتماعی بودنش به تنهایی نمی تواند نیازهای خود را رفع کند و به برقراری ارتباط با دیگران نیازمند است. همانگونه که شعاری نژاد (۱۳۸۳) مطرح می کند تمایل فرد به رفع نیاز و میل وی به کمال، دو انگیزه قوی است که وی را به برقراری رابطه در سطوح مختلف بر می انگیزد.

بیان مساله

خداوند در قرآن بنی آدم را بسیاری از مخلوقات دیگر رحمان داده است و قبول این اصل قرآنی ضمانتی اخلاقی برای رعایت حقوق دیگران در انسان ایجاد می کند و ارتباطات انسان ها با یکدیگر را تحت الشعاع قرار می دهد. انسان، در خور احترام و شریف است، زیرا مسئول است و مسئولیت او مستلزم آزادی او در انتخاب است. بنابراین، مسلمان باید به غیر مسلمان به عنوان یک انسان احترام بگذارد و از این لحاظ حرمت او را پاس بدارد. پرهیز از تمسخر دیگران و به طور کلی عواملی که منجر به کاهش احترام نسبت به یکدیگر می گردد، از اصول روابط بین الملل در اسلام است که بی اعتنایی به آن موجب تفرقه می شود و احاطه شیطان بر اعمال و رفتار انسان را به دنبال دارد (حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹).

این سؤال پیش می آید که پاسخگو بودن در برابر یک مرجع برتر چه ضرورتی دارد؟ و اگر انسان مسوولیتی را نمی پذیرفت چه اتفاقی می افتاد؟

آفرینش انسان و جهان، هدفدار بوده است و هدف از آفرینش انسان عبادت و بندگی خداوند می باشد. خداوند در قرآن می فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات، آیه ۵۶).

جن و انس را نیافریدم جز اینکه مرا عبادت کنند.

خداوند متعال راه رسیدن به قرب الهی و طریقه عبادت و بندگی خود را به صورت برنامه هایی به رسول خویش ابلاغ کرده است و پس از پیامبر - صلی الله علیه و اله - اوصیاء او و وظیفه آموزش معارف دین را بر عهده دارند. در این میان ما مسلمانان که به این دعوت لَبِیک گفته ایم وظایف و مسوولیتهایی پیدا می کنیم که عمل به آنها ما را به کمال انسانی خویش نزدیک می سازد.

بزرگترین مسوولیت انسان، در برابر نعمت هدایت و ولایت می باشد؛ چرا که بدون تشریح دین و هدایت انسان، تمامی راهها به سوی کمال و سعادت او مسدود می شد. امام رضا - علیه السلام - می فرمایند:

إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الشَّهَادَةُ وَالنُّبُوَّةُ وَمَوَالِدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (کاشانی، ۱۳۴۴).

همانا اولین چیزی که در روز قیامت از بنده سؤال می شود؛ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر و دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام است

لذا اگر انسانها در مقابل این نعمتهای ارزشمند که خداوند برای هدایت بشر به او ارزانی داشته است، احساس مسوولیت نکند، حیاتی پوچ و بی هدف داشته هرگز به مقام والای انسانیت نائل نمی شود و اینجاست که ضرورت مسوولیت پذیری در برابر خداوند متعال مشخص می شود.

از دیدگاه اسلام هر فرد خود مسئول افعال خویش است؛ خداوند در قرآن می فرماید:

"وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" (سوره نجم و آیه ۳۹)؛

(بهره فرد نتیجه و حاصل کار اوست).

"الْأَنْزَرُ وَالْأَنْزَرُ وَالْأَنْزَرُ" (سوره فاطر و آیه ۱۸)؛

(کسی بار دیگری را به دوش نمی گیرد).

در اسلام تکلیف با توجه به قدرت و توان فرد مقرر می گردد و نتیجه بد و خوب اعمال به خود فرد بر می گردد.

مسئولیت پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت اینکه این امانت عظیم، به انسان سپرده شد این بود که او این قابلیت را داشت و می توانست ولایت الهی را پذیرا گردد؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال بسوی معبود لایزال سیر کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶). چنان که خداوند در سوره احزاب می فرماید:

"إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا"

ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان، آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود(احزاب ، آیه ۷۲).

مسئولیت پذیری در روایات نیز همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. برای مثال امام علی علیه السلام - آنچنان خود را در پیشگاه خدا مسئول می داند که حتی در یاره آنچه می گوید وجود خویش را ضامن قرار داده است و می فرماید:

ذَمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةً وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ.

عهده ام در گرو درستی سختم قرار دارد و نسبت به آن ضامن و پابندم(سید رضی ترجمه انصاریان، ۱۳۷۹)

و همین احساس مسئولیت بود که ایشان را به قبول خلافت و ادار کردن چنانکه می فرمایند:

"هان به خدایی که دانه را شکافت و انسان را بوجود آورد؛ اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من بخاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننماید؛ دهنه شتر خلافت را بر کوهانش می انداختم و پایان خلافت را با پیمان خالی اوکش سیراب می کردم؛ آنوقت می دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است"(سید رضی ترجمه انصاریان، ۱۳۷۹).

روایت بالا به اهمیت مسئولیت اجتماعی در روایات و احادیث اشاره دارد؛ با اینکه آموزه های اسلامی از مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین حقوق انسانیت و امانت الهی نام می برد؛ با این تفصیلات مطالعات پژوهشی بسیاری اندکی برای تبیین ساختارهای آن صورت پذیرفته است؛ مطالعات حتی در ترسیم مسئولیت پذیری اجتماعی در نظریه اسلامی نیز موفق نبوده اند؛ برای مثال نتایج مطالعه سبحانی نژاد (۱۳۷۹) نشان داد که در طراحی هریک از عناصر برنامه درسی می بایست به انواع مسئولیت پذیری اجتماعی و ابعاد سه گانه شناختی، عاطفی و حس و حرکتی توجه شود؛ نتایج دیگر این مطالعه نیز نشان داد که در اهداف کلی و سرفصل ها بیشترین توجه به مسئولیت های دینی - اجتماعی و مدنی بوده و در محتوا نیز بیشترین توجه به مسئولیت های مدنی بوده است؛ نتایج مطالعات محسن پور(۱۳۸۳)؛ علم الهدی (۱۳۸۱) و سلسبیلی (۱۳۸۳) نیز بر اسلامی شدن ساختار آموزشی و تربیتی جامعه ایرانی تاکید کردند و بر مشکلات ناشی از نبود چنین نظریه ای را در مرور تاریخ برنامه ریزی درسی ایران متذکر می شوند؛ ایزدی و همکاران (۱۳۸۵) نیز در مطالعه ای نشان دادند که وضعیت مسئولیت پذیری اجتماعی در مدرسه ابتدایی بسیار پایین است .

با جمع بندی از مبانی نظری و پیشینه پژوهشی اندک در این حوزه می توان دریافت که بسیاری از کارشناسان در حوزه تعلیم و تربیت، ضرورت توجه به یک نظریه بومی اسلامی در همه حوزه ها مطرح نمودند، ولی در عمل کمتر از ابعاد مختلف اسلامی مانند فردی، اجتماعی، سیاسی و رفتاری به شریعت بومی خود

نگریسته اند؛ تحلیل جایگاه مسوولیت اجتماعی در نظریه اسلامی از حوزه های مغفول پژوهشی محسوب می شود با توجه به حساسیت موضوع و ضرورت های فرهنگی و فقدان تحقیقات در این حوزه، مطالعه حاضر با بررسی "مسوولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلام و دلالت های تربیتی آن برای معلمان" صورت می گیرد.

اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش

در بخش مهم تدوین علم تربیت اسلامی به معنای مصطلح و نیز در ارائه نظریه تربیت و ارائه یک نظام تربیتی جامع و کارآمد، اندیشمندان مسلمان تحرک چندانی از خود نشان نداده اند. متفکران مسلمان که می بایست با استفاده از آموزه های وحیانی قرآن و نیز روایات پر بار ائمه معصومین - علیهم السلام - و نظرات فیلسوفان و مربیان بزرگ مسلمان، از طرفی بنای یک علم بی نظیر تربیت اسلامی را بنهند و از طرف دیگر در اندیشه نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی و ارائه یک نظام منسجم و کارآمد تربیتی اسلامی باشند چنان که خود معترفند آرای تربیتی ما بیشتر متأثر از فیلسوفان تعلیم و تربیت در مغرب زمین بوده و تنها به یافته های علوم جدید در غرب اکتفا کرده اند (علم الهدی، ۱۳۸۱؛ محسن پور، ۱۳۸۳). برخی از آنها با اعتقاد به تعلیم و تربیت سکولار اساساً منابع اسلامی حتی قرآن را منبع مناسبی برای مطالعه در این زمینه ها نمی دانند و برخی نیز تنها با نگاهی سطحی به این امر مهم تنها به رنگ و لعاب سطحی از اسلام به تربیت و اسلامی^۲ کردن آن بسنده کردند. دقت در ابعاد مختلف تربیت، به خصوص در بعد اهداف، مبانی، روشها و توجه و اهمیتی که در دین مقدس اسلام به این امور در زمینه مسایل تربیتی داده شده است، مسوولیت صاحب نظران مسلمان تعلیم و تربیت را دو چندان می کند. آنها خود معتقدند که در اسلام منابعی که بتوان از آن برای ترسیم سیمای تعلیم و تربیت اسلامی استفاده برد، نظیر قرآن و سنت شریف نبوی صلی الله علیه و آله - و ائمه هدی - علیهم السلام - بسیار است. لکن از آنها در جهت پی ریزی یک نظام منسجم تربیتی بهره برداری نشده است. البته در دهه های اخیر برخی از آنها به فکر چاره افتاده و بانی کنفرانس هایی در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی بوده اند تا بلکه بتوانند در این زمینه گام هایی را بردارند. مسوولیت اجتماعی از همین حوزه های مغفول در آموزه اسلام می باشد؛

مطالعه برخی پژوهش های محدود داخلی در راستای موضوع پژوهش فوق بیانگر آن است تا کنون پژوهشی جامع در ارتباط با بررسی مسوولیت پذیری اجتماعی در محتوای آموزه های اسلامی " صورت نگرفته است و بیشتر این پژوهش ها نیز در ارتباط با پرورش مهارت های اجتماعی بوده و به طور جدی به مسوولیت پذیری اجتماعی در اسلام توجه نشده است. مطالعاتی چون سبحانی نژاد (۱۳۷۹) "مسوولیت پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران"، مقاله سبحانی نژاد و فردانش (۱۳۷۹) با عنوان "مسئولیت پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران"؛ نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۸۳) "جایگاه مهارت های اجتماعی در

^۱ *Secular Education*

^۲ *Islamize*

کتاب درسی عمومی دوره دبیرستان؛ علی خانی و مهرمحمدی (۱۳۸۴) "بررسی پیامدهای قصد نشده «برنامه درسی پنهان» ناشی از جو اجتماعی مدارس دوره متوسطه شهر اصفهان و آرایه راهکارهایی برای کاهش پیامدهای منفی آن"؛ فاتحی زاده، و همکاران (۱۳۸۴) "بررسی کیفی عملکرد دبیرستان در ایجاد و پرورش مهارت های اجتماعی دانش آموزان"، عابدی و خدابخش (۱۳۸۵) "بررسی روشهای افزایش مسوولیت پذیری در دانش آموزان دوره راهنمایی"؛ ایزدی و همکاران (۱۳۸۵) "نقش مشارکتی دانش آموزان را در اداره امور مدرسه از طریق شورای دانش آموزی"؛ محدثی (۱۳۸۶) "آینده جامعه قدسی: امکانات و چشم انداز اجتماعی-سیاسی دین"؛ فتحی یوسف (۱۳۸۷) "مناسبات مصلحت و تکلیف در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)"؛ طالب زاده نویریان و همکاران(۱۳۸۷)، "بررسی تأثیر جو اجتماعی مدارس متوسطه بر پرورش مهارت های اجتماعی دانش آموزان"، دهقانی (۱۳۸۸) "تحلیل محتوای کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مهارت های اجتماعی با توجه به دیدگاه آموزگاران "شاهسواری (۱۳۸۹) "بررسی و مقایسه رشد اجتماعی و مسوولیت پذیری دختران نوجوان با توجه به سبک فرزند پروری مادران"؛ احمدی نوده (۱۳۸۹) "آسیب پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در نوجوانان و جوانان"؛ قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۹) "آزمون تئوری های مساله اجتماعی پیوند با مدرسه در بین دانش آموزان مقطع ابتدایی"؛ و ترکمان و بهمن پور (۱۳۸۹) "نقش شهروندی را بر اساس کتابهای علوم اجتماعی دوره دبیرستان".

با این تفصیل مطالعه ای که به مولفه مسوولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلامی پرداخته باشد در پیشینه وجود ندارد و همین مساله محقق را برانگیخته که تلاش نماید به این مولفه مهم در نظریه اسلامی پردازد؛ این مطالعه به بررسی ابعاد اجتماعی علی الخصوص مسوولیت های اجتماعی در تعلیم و تربیت اسلامی می پردازد و دلالت های آن برای معلمان، مدیران و سیاست گذاران آموزشی بسیار مدد رسان خواهد بود. نتایج این مطالعه می تواند برای متخصصان و برنامه ریزان درسی و سیاست گذاران آموزشی قابل استفاده باشد.

هدف کلی

بررسی مسوولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلام و دلالت های تربیتی آن برای معلمان

اهداف جزئی

- هدف اول: تبیین مسوولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلامی
- هدف دوم: بررسی قلمرو و ابعاد مسوولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلامی
- هدف سوم: ارائه مصادیقی از مسوولیت پذیری اجتماعی براساس آموزه های(آیات - احادیث و روایات)
- هدف چهارم: تبیین دلالت های مسوولیت پذیری اجتماعی برای جامعه اسلامی
- هدف پنجم: تبیین دلالت های مسوولیت پذیری اجتماعی برای تعلیم و تربیت دوران معاصر

سوال های پژوهش

سوال اول: مفهوم شناسی مسوولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلامی چگونه بیان شده است؟

سوال دوم: قلمرو و ابعاد مسوولیت پذیری اجتماعی در آموزه های اسلامی چیست؟

سوال سوم: چه مصادیقی از مسوولیت پذیری اجتماعی در آموزه های (آیات-احادیث و روایات) مطرح شده است؟

سوال چهارم: دلالت های مسئولیت پذیری اجتماعی برای جامعه اسلامی چیست؟

سوال پنجم: دلالت های تربیتی مسوولیت پذیری اجتماعی در عرصه تعلیم و تربیت چگونه است؟

تعریف نظری مفاهیم تحقیق

مسوولیت: در لغت به معنای موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می باشد (دهخدا، ۱۳۷۰).

وظیفه: به آن چیزی اطلاق می شود که شرعاً یا عرفاً بر عهده کسی باشد (دهخدا، ۱۳۷۰).

تکلیف: به معنای بار کردن کاری سخت توأم با رنج، بر کسی می باشد (دهخدا، ۱۳۷۰).

تعهد: به معنای گردن گرفتن کاری (معین، ۱۳۷۰) و همچنین عهد و پیمان بستن (دهخدا، ۱۳۷۰) نیز آمده است.

حق: در این بحث به معنای سهم و نصیب می باشد (معلوف، ترجمه بندریگی، ۱۳۷۰).

مسوولیت پذیری اجتماعی: به مجموعه انتظارات دیگران از یک فرد در یک جایگاه و یک موقعیت

اجتماعی در قالب رسمی مسوولیت پذیری اجتماعی گفته می شود (توسلی ۱۳۸۶ ص ۳۳).

مسوولیت پذیری: توانایی محاسبه دقیق محدودیتها و عواقب موقعیتهای خاص، امتیازات، آزادیها، تحلیل

علل و عوامل موثر در موقعیت و سازگاری متناسب رفتارهای شخص می داند (گلن^۳، ۱۹۸۵ ص ۲۰).

مسوولیت پذیری: نوعی احساس عملی در بکارگیری توانائیا و کوشش برای تطابق و سازگاری با مردم

می داند و عدم تطابق با آنان را، قانون شکنی و نپذیرفتن مسوولیتها و وظایف " دانسته است (گلن^۴، ۱۹۸۸ ص ۲۰).

میترا^۵ (۲۰۰۹) نیز معتقد است که مسوولیت به لحاظ لغوی به معنی توانایی پاسخ دادن و در عرف عام به

معنای تصمیم گیری مناسب و موثر است؛ مقصود از تصمیم گیری مناسب آن است که شخص در چارچوب

هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که از او می رود، دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت،

افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر وی شود.

آموزه های اسلامی: به مجموعه اطلاعات، احادیث و ارزشهایی گفته می شود که از کتاب مقدس،

قرآن کریم و ائمه معصومین اخذ می شود.

دلالتهای تربیتی: کاربرد آموزه های دین اسلام در موقعیتهای آموزشی و تربیتی را دلالتهای تربیتی می

گویند (علم الهدی، ۱۳۸۱ ص ۱۱).

^۳ Gleen

^۴ Gleen

^۵ Mitra

در این پژوهش تعریف توسلی (۱۳۸۳) از مسوولیت اجتماعی مورد نظر است.

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مقدمه

در این فصل سعی شده است درباره‌ی موضوع مورد مطالعه چشم اندازی ارائه شود، انسان اجتماعی در نقطه‌تلاقی فرد و جامعه قرار گرفته است؛ یعنی انسان به عنوان حامل نقشهای اجتماعی از پیش شکل گرفته، است.

فرد و جامعه از طریق دو واقعیت (وضعیتها و نقشها)، به یکدیگر مرتبط می‌شوند و این زوج مفهومی، بیانگر همان انسان اجتماعی است. مفهوم انسان اجتماعی به دو معنی اشاره دارد:

۱. مدنی بالطبع بودن؛

۲. همنوایی در برابر کجروی.

اساساً باید این فرض که جامعه به عنوان یک انتزاع در مقابل فرد قرار می‌گیرد را کنار بگذاریم؛ بلکه فرد موجودی اجتماعی است و زندگی او حتی اگر مستقیماً بصورت زندگی اشتراکی ظاهر نشود باز نمود و تأییدی بر زندگی اجتماعی است. زندگی فردی و نوعی آدمی دو چیز متفاوت از هم نیستند، هر چند شیوه هستی زندگی فردی، ویژه‌تر و شیوه زندگی نوعی عامتر است و یا زندگی انواع ویژه‌تر و زندگی فردی عامتر است که اینها غیر قابل اجتناب هستند (شایان مهر، ۱۳۸۰).

هر فردی در اوضاع و احوال اجتماعی خاصی قرار می‌گیرد، که باید مسائل رفتاری خود را با آن هماهنگ سازد و این واقعیتی است که حتی مردم عادی نیز با آن برخورد دارند. و لذا رفتارهای درون یک فرهنگ بطور متوسط رفتارهایی انطباق یافته‌اند، افرادی که در چارچوب هنجاری، اجتماعی و فرهنگی این جامعه سازگار شده‌اند را انسانهایی اجتماعی یا به تعبیری فرهنگ آموخته می‌گویند (استونزل، ترجمه کاروان، ۱۳۵۴).

انسانها اگر به این فرآیند تن ندهند و آنها را رعایت نکنند، افرادی هنجار شکن تلقی خواهند شد، که به آنها غیر قابل اجتماعی یا ضد اجتماعی اطلاق می‌شود و البته عده‌ای نیز به علت جهل به مناسبات و تعاملات اجتماعی قادر به رعایت آنها نیستند که به آنها نیز لفظ غیر اجتماعی صدق می‌کند. مثل فردی که در جنگل رشد و نمو یافته است یا فردی که مدتی طولانی در زندان انفرادی محبوس بوده است (استونزل، ترجمه کاروان، ۱۳۵۴).

تربیت اجتماعی انسان

آموزش اجتماعی انسان در هر دو مفهوم (مدنی بودن و همنوایی در برابر کجروی)، از دوران نوزادی شروع می‌شود. روابط نوزاد با مادر خود نخستین روابط اجتماعی آدمی می‌باشد لذا در ایجاد دید آدمی نسبت به جهان سهمی حتمی و قطعی ایفاء می‌کنند. رفتار با نوزادان که بر اثر آداب و رسوم مقرر گردیده از همین موقع روح فرهنگ و بیش از هر چیز جنبه‌های مادی آنها منعکس می‌کند (استونزل، ترجمه کاروان، ۱۳۵۴). که این همان مدنی بالطبع بودن انسان است. البته گر چه وضع نخستین کودک او را برای اجتماعی شدن آماده می‌کند ولی شروع مناسبات اجتماعی به معنای درست وقتی میسر است که کودک سخن گفتن و واکنش کردن را آغاز کند

و در این دوره به خارج از خانه راه پیدا می‌کند و یا در خانه تعاملات خود را با دیگران آغاز می‌کند و مراحل رشد اجتماعی را طی می‌کند.

علاوه بر تعاملات کودک با اطرافیان و نحوه برخورد مادر، از مجموعه فرهنگ نیز تأثیر می‌پذیرد. به بیان دیگر او شاهد اعمال بزرگسالان است و در اعمال جمعی و تشویقی‌هایی که در او مانند بزرگترها حالت انفعالی ایجاد می‌کند، شرکت دارد. بنابراین اجتماعی شدن بی‌شک بر اثر فرایندهای خاص یادگیری صورت می‌گیرد و لیکن این فرایندها فقط بر اثر مجموعه آرایش فرهنگی که در برابر آنها انجام می‌گیرد معنی دار می‌شود و اثر خود را ظاهر می‌کند (استونزل، ترجمه کاروان، ۱۳۵۴).

بیان شد که انسان به عنوان موجودی اجتماعی است و از لحاظ نیاز مادی و معنوی امکان زندگی منفرد برای او دشوار است. هر انسانی محتاج تشکیل اجتماع و همکاری با دیگران است و چون احتمال شکل‌گیری جامعه ضالّه و جاهله وجود دارد لذا ادیان آسمانی به تربیت اجتماعی بشر همت گمارده است. برادری، رحم، عاطفه، دوستی، صلّه ارحام، مدارا، اطعام درماندگان و بینوایان و پوشانیدن آنها جزء اصول کلیدی و مهم تربیت اجتماعی می‌باشد. اتفاقاً دین مبین اسلام نیز به تربیت اجتماعی انسانها اهمیّت زیادی داده و آنها را از رهبانیت و انزوا بر حذر داشته است (امین، ۱۳۸۰).

انسان اجتماعی در آموزه های اسلامی

انسان در میان تمامی جانداران موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب احتیاج به بحث زیاد ندارد، چرا که فطرت تمامی افراد انسان چنین است یعنی فطرت تمام انسانها این معنا را درک می‌کند و تا آنجا هم که تاریخ نشان داده هر جا بشر بوده اجتماعی زندگی می‌کرده و آثار باستانی هم (که از زندگی قدیمی ترین بشر آثاری بدست آورده) این مطلب را ثابت می‌کند. قرآن کریم هم با بهترین بیان در آیاتی بسیار از این حقیقت خبر داده، از قبیل آیه:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ، وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...»

:هان ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شعبه شعبه و قبیله قبیله تان کردیم تا یکدیگر را بشناسید (سوره حجرات آیه: ۱۳).

«نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ، لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا»

ترجمه: ما اینم که معیشتشان را در بینشان (در زندگی دنیا) تقسیم کردیم و بعضی را بدرجاتی ما فوق بعضی دیگر قرار دادیم، تا بعضی بعضی دیگر را مسخر خود کنند (سوره زخرف آیه: ۳۲).

«بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» ترجمه:

شما همه از یکدیگرید (سوره آل عمران آیه: ۱۹۵).

و آیه: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا»

او کسی است که از آب بشری بیافرید، و سپس او را خویشاوند تنی و ناتنی کرد (سوره فرقان آیه: ۵۴).